کارگر تبعیدی

ارگان

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران

شماره اول

مرداد ماه ۱۳۶۷

قیمت ۲ مارک

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

بمناسبت اعلام موجودیت و انتشار اولین شمارهٔ نشریهٔ ما

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران در پاسخ به نیازی مبرم شکل گرفته است. این تشکل به‌منظور شناساندن موقعیتی که کارگران ایران در آن بسر میبرند، مبارزات آنان، طرح خواسته های آنان وجلب حمایت همرزمان بین‌المللی از مبارزات و خواسته های کارگران ایران بوجود آمده است

و این در شرایطی است که طبقه کارگر ایران در گیر نبردی نابرابر با رژیم ضد کارگری و ضد مردمی جمهوری اسلامی است. از اینرو لازم است تا از هر امکانی برای کمک به مبارزه شان استفاده کنیم.

ما تعدادی از کارگران مهاجر که اینک در خارج از کشور بسر میبریم بر آن شدیم تا در این جهت قدمی برداریم و اینکاریدون همکاری تمامی کارگرانی که مجبور به ترک

بقیه در صفحه ۲

از مبارزات سندیکائی کارگران کشورهای دیگر

افریقای جنوبی کشوری است سرمایه داری که نه از طریق رشد در حوزه کشاورزی و نه صنعت، بلکه با ورود سرمایه مالی از خارج و خصوصا اروپا شکل گرفته است. بعد از آنکه افریقای جنوبی از طرف انگلیس اشغال شد، سرمایه داران تشکلی بنام "مبادله بازرگانی" بوجود آوردند که حکم سازمان سرمایه داران را داشت، که در سال ۱۸۶۱ به اطاق بازرگانی کیپ تغییر نام داد. کارفرمایان براساس این تشکل ها توانستند اولا: نیروی کار ارزان را به زور که برپایه نژاد پرستی بود، تامین نمایند و دستمزد کارگران سیاه را خیلی پائین تر از حقوق سفید پوستان نگهدارند. ثانیا: کارگران سیاه پوست را در مناطقی مخصوص اسکان دهند که حالت اردوگاه داشته و فاصله زیادی از محل کار داشتند و به همین علت کارگران سیاه باید برای رفت و آمد از خانه تا محل کار

بقیه در صفحه ۷

لیست اسامی شهدای کارگر در دوران حکومت جمهوری اسلامی

تذکره رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در مدت حکومت ضد انقلابی خود دهها هزار کارگر و انقلابی دیگر را اعدام و ترور کرده و یا در زیر شکنجه به شهادت رسانده است، که اکثریتشان برای مردم ایران ناشناخته مانده و تنها اسامی بخشی از آنها در لیست شهدای انقلاب ایران آمده است. ما توانسته ایم اسامی بیش از ۵۰۰ نفر از جانباختگان کارگر را، که از سال ۶۰ تا ۶۳ به شهادت رسیده اند، تهیه کنیم. اما بی شک تعداد شهدای کارگر در همین مدت بیش از این رقم بوده، و از سال ۶۳ به اینسو نیز تنها تعداد کمی از

بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر میخوانید:

- فراخوان به فعالین کارگری ایران!
- شاگرد زرنگ!
- نامهٔ سرگشاده‌ای خطاب به فعالین کارگری
- دعوت!
- طرح پلاتفرم جنبش
- دعوت از طراحان
- کارگران آلمانی باید کارگران ایران را دریابند!
- مروری بر مبارزات کارگران در سال ۵۷
- اعتصاب کارگران کارخانهٔ زامیاد
- دربارهٔ کار و زندگی کارگران در کارگاههای کوچک
- خاطرات یک کارگر تبعیدی

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

www.iran-archive.com

بمناسبت اعلام موجودیت و انتشار اولین شمارهٔ نشریهٔ ما

دنباله از صفحه اول

کشور شده‌اند و بدون همراهی هر آن‌کس که در جهت منافع طبقه کارگر ایران گام برمیدارند نتیجه مطلوب را نخواهد داد.

کارگران پناهنده! همانگونه که همه اطلاع داریم خواهران و برادران ما در ایران تحت فشارهای سخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسر میبرند و تاکنون نتوانسته‌اند اخبار مبارزات و وضعیت خود را به گوش همرزمان طبقاتیشان در سراسر جهان و از جمله اروپا رسانده و از حمایتهای آنان بهره‌مند گردند. مسلما کارگران جهان از شرایطی که کارگران ایران در آن در حال مبارزه هستند اطلاعات کمی دارند. رژیم جمهوری اسلامی انواع و اقسام فشارها را بر طبقه کارگر ایران وارد میسازد، کارگران مبارز و انقلابی را به جوخه‌های اعدام میسپارد. شرایط سیاه کار تحت وضعیت جنگی ایران، موشک ـ باران و بمباران کارخانه‌ها و به خاک و خون افتادن خواهران و برادرانمان بصورت مسئله‌ای همیشگی درآمده است، اعزام اجباری به جبهه های جنگ، کسر حقوق برای کمک به جبهه ها، نمونه های کوچکی هستند که همه ما از آن اطلاع داریم. طرح طبقه بندی مشاغل پس از مدتها این دست آن دست کردن هنوز هم بر روی کاغذ مانده، برخی از سهمیه های تولیدی کارگران که سهم خود آنها میباشد قطع شده است. جاسوسان و عوامل رژیم و مدیریت به جاسوسی و توطئه دائمی علیه آنها مشغولند و مهمتر اینکه کارگران نمیتوانند در چارچوب چنین رژیمی از قانون کار مناسبی که از آنها حمایت کند برخوردار باشند. اینها تنها گوشه هائی از انواع فشارهائی است که بر طبقه کارگر ایران روا میگردد، اما خواهران و برادران کارگر ما در سراسر جهان حتی کمترین اعتراضی را هم علیه این وضعیت از خود نشان نمیدهند که همانا بعلت بی‌اطلاعی آنان است. جنبش سندیکائی پاسخی است به این نارسائیها.

هنگامیکه کارگران در بسیاری از کشورها تشکل مستقل خود را دارند و هنگامیکه به توسط این تشکلها قادرند تا به بخشی از حقوق و امتیازات خود دست یابند، باید بکوشیم از این قدرت کارگری در دیگر کشورها به سود طبقه کارگر ایران نیز بهره گیریم، یکی از معضلات اساسی طبقه کارگر ایران همانا نداشتن همین تشکلهای مستقل خود است. باید با اعمال فشار و افشای رژیم ایران از هر وسیله‌ای برای برخورداری آنان از این حق مسلم استفاده کنیم. و این در شرایطی است که طبقه کارگر ایران نیز در جهت نفی تشکلهای وابسته به رژیم و ایجاد تشکلهای خاص خود مبارزه پیچیده‌ای را در اشکال مخفی و علنی به پیش میبرد. اوج مبارزه سندیکائی طبقه کارگر در دهه ۲۰ بما نشان داده که طبقه کارگر ایران در صورت داشتن تشکل به چه نیروی تعیین کننده ای تبدیل خواهد شد، مبارزات فعال طبقه کارگر در نیمه دوم سال ۷۰ نشان داد که اگر او پا به عرصه مبارزه نمیگذاشت هیچگاه کمر رژیم ستمشاهی شکسته نمیشد. تجربه مبارزات طبقه کارگر و بخصوص تجربه مبارزات اخیر مشخص نمود که هرگاه ما کارگران از تشکلهای خاص خود مان برخوردار نباشیم نمیتوانیم در جهت خواسته های خود متحد و با قدرت عمل نمائیم. از اینرو تلاش ما در جهت دست یابی کارگران به این حق مسلم نیز معطوف است که آنرا به اشکال مختلف پیش خواهیم برد. جنبش دفاع از حقوق سندیکائی و نشریه آن میکوشد تا با معرفی خود در بین کارگران کشورهای دیگر اولا معرفی نامه و ابزار شناساندن وضعیت طبقه کارگر ایران در بین آنان بوده و حمایت عمومی را در راه تقویت مبارزه کارگران ایران به خود جلب نماید، ثانیا بلندگوئی باشد در بین کلیه کارگران مهاجر و هر آن کس که بخواهد به انحاء مختلف با آن همکاری نماید و در واقع بهترین امکان برای یافتن یکدیگر و متشکل شدن در خارج از کشور برای فعالیت در راستای یاد شده است. از اینرو ما از تمام کارگران و فعالین جنبش کارگری میخواهیم که صرفنظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی در جهت منافع طبقه کارگر دست در دست یکدیگر داده و به همکاری مشترک بپردازیم. جنبش سندیکائی بطور عام و جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران بطور خاص، در اصل و اساس خود بمعنای همکاری همه کارگران و فعالین کارگریست. جنبش ما معتقد است که بدون بوجود آوردن تشکلی مستقل در چارچوب فعالیتی مشابه فعالیتهای اتحادیه‌ای کارگران و بدون همکاری تمام کارگرانی که علیه سرمایه‌داری و علیه

بقیه در صفحه

لیست اسامی شهدای کارگر

در دوران حکومت جمهوری اسلامی

دنباله از صفحه اول

این شهدا را شناخته‌ایم. اینک در نظر داریم لیست اسامی شهدای کارگر را به ترتیب الفبا در این نشریه درج نمائیم و از همه کسانیکه کارگران شهیدی را می شناخته‌اند که اسامی شان در این لیست نیامده، انتظار داریم اسامی آنها و تاریخ، محل و چگونگی شهادت و در صورت امکان زندگینامه آنها را برای ما ارسال کنند تا بتوانیم لیست کاملتری از این شهدا داشته و در فرصت مناسب بولتن کامل آنرا به چاپ برسانیم. قبلا از همکاریتان سپاسگزاریم.

شماره	نام خانوادگی	نام	نحوه شهادت	تاریخ شهادت
۱	آرست	حمیدرضا	آتش‌سوزی زندان	۲۶ اسفند ۶۱
۲	آریان فر	یوسف	تیرباران	۱۷ شهریور ۶۰
۳	احمدی	علی‌اکبر	=	۱۷ شهریور ۶۰
۴	احمدی	نوروزعلی	=	اردیبهشت ۶۲
۵	اخوت مقدم	حسین	=	اسفند ۶۱
۶	اخوت	صادق	=	۳۱ شهریور ۶۰
۷	اکرم (مستعار)	—	=	۶۱
۸	آیزن	مصطفی	درگیری مسلحانه	۱۸ آبان ۶۰
۹	آتش جامه	محمد	زیرشکنجه	۱۷ تیر ۶۱
۱۰	آتش افروز	محمدرضا	تیرباران	۱۶ مرداد ۶۰
۱۱	آذرفر	رضا	=	۳۱ شهریور ۶۰
۱۲	آری	محمدرضا	=	۱۶ شهریور ۶۰
۱۳	آریج	حسین	=	اسفند ۶۱
۱۴	آزادمنش	یعقوب	=	۹ خرداد ۶۱
۱۵	آزادیخواه	جعفر	زیرشکنجه	۶۰
۱۶	آصف	محمد	تیرباران	۶۱
۱۷	آقانژاد	محمد	=	شهریور ۶۰
۱۸	آهنگر	بهروز	=	تابستان ۶۰
۱۹	ابراهیم‌آبادی	غلامحسین	=	۶۱
۲۰	ابراهیمی	حسین	درگیری مسلحانه	تابستان ۶۰
۲۱	ابراهیمی	رحمت‌الله	تیرباران	تابستان ۶۰
۲۲	ابراهیمی	محمد	=	تابستان ۶۰
۲۳	ابریشم باف	اصغر	=	پائیز ۶۰
۲۴	ابوعلی	قاسم	=	پائیز ۶۰
۲۵	ابوعلی‌شمشیری	فریدون	=	پائیز ۶۰
۲۶	اجاقی	عباس	درگیری مسلحانه	بهار ۶۰
۲۷	احتشامی	منصور	تیرباران	پائیز ۶۰
۲۸	احقاقی	کریم	=	تابستان ۶۰
۲۹	احمدزاده	محمود	=	۶۲
۳۰	احمدی	ایوب	=	زمستان ۶۲
۳۱	احمدی	محمد	درگیری مسلحانه	زمستان ۶۰
۳۲	احمدی	منصور	=	پائیز ۶۰
۳۳	احمدی‌بوسجین	احمد	—	دیماه ۵۹
۳۴	احمدیان	جمشید	تیرباران	دیماه ۶۱
۳۵	احمدی سرخینی	علی	تیرباران	دیماه ۶۲
۳۶	اختیاری	محمدقلی	درگیری مسلحانه	پائیز ۶۱
۳۷	اخوت فوده	حسین	تیرباران	زمستان ۶۱
۳۸	اخلاص	کاظم	=	پائیز ۶۰
۳۹	اخوت عراقی	حسین	=	تابستان ۶۰
۴۰	اخیرائی	عبدالکریم	=	۲ آذر ۶۰
۴۱	ارغوانی	فرج‌الله	=	تابستان ۶۰
۴۲	اردین	حسن	=	۱۰ اردیبهشت ۶۲
۴۳	اسدی	رمضان	=	پائیز ۶۱
۴۴	اسرافیلی	محمود	=	تابستان ۶۰
۴۵	اسرافینی	شاهرخ	=	تابستان ۶۰
۴۶	اسلامی	حبیب‌الله	حلق‌آویز	تابستان ۶۰
۴۷	اسماعیل کارگر	رحیم	تیرباران	تابستان ۶۰
۴۸	اشرفی	نجف‌علی	حلق‌آویز در لاهیجان	زمستان ۶۳
۴۹	اشرفی	عباس	درگیری مسلحانه	تابستان ۶۱
۵۰	اشنویه‌قم	محمد	تیرباران	بهار ۶۱
۵۱	اصل فلاح	اصغر	درگیری مسلحانه	پائیز ۶۲
۵۲	اقدسی	ابوالحسن	تیرباران	تابستان ۶۰
۵۳	اکبری	ناصر	=	پائیز ۶۱
۵۴	اکبری	یوسف	=	پائیز ۶۰
۵۵	امانی	محمدتقی	=	آبان ۶۰
۵۶	امیری	مسعود	=	زمستان ۶۱
۵۷	امیرشاهکرمی	شمس‌الدین	=	۱۱ مهر ۶۰
۵۸	امیرشکاری	حمید	درگیری مسلحانه	بهار ۶۲
۵۹	امیری	احمدعلی	تیرباران	پائیز ۶۰
۶۰	امین بیدختی	محمدحسین	=	تابستان ۶۳
۶۱	امینی	حسین		تابستان ۶۲
۶۲	انصاری	عباس	=	تابستان ۶۰
۶۳	انصاری	محمدجواد	=	آبان ۶۲
۶۴	انصاری	ناصر	درگیری مسلحانه	پائیز ۶۰
۶۵	انوشیروانی	غلامرضا	=	بهار ۶۱
۶۶	اوسطی	ابوالفضل	=	تابستان ۶۰
۶۷	ایجاری همدانی	محمدسعید	زیرشکنجه	تابستان ۶۱
۶۸	باخویش	عبدالکریم	تیرباران	تابستان ۶۰
۶۹	بازرگان	سعید	=	۶ آبان ۶۰
۷۰	باخویش	عنایت	=	تابستان ۶۳
۷۱	باغبان	علیرضا	حلق‌آویز	بهار ۶۱
۷۲	باغچیقی	جهانگیر	تیرباران	پائیز ۶۰
۷۳	باقروندنیرومند	نادر	=	پائیز ۶۰
۷۴	باقری	خسرو	درگیری مسلحانه	پائیز ۶۰
۷۵	باقری‌آق بابا	غلامرضا	تیرباران	زمستان ۶۲

www.iran-archive.com

کارگران آلمانی باید کارگران ایران را دریابند!

یادآوری:
هرهمکاری درهرکشوری که فعلا در آن زندگی میکند، میتواند این نوشته‌رابه‌همان زبان وخطاب به‌کارگران همان کشورترجمه‌وپخش کند.

کارگران عزیز!

طبقه‌کارگرکشورهای مختلف، ازجمله‌کشورهای اروپائی، ازطریق تشکلهای مستقل خود نظیر اتحادیه‌ها، به‌حقوق خود درمقابل کارفرمایان آشنا میشوند و درس همبستگی و اتحاد را آموزش میبینند. این کارگران نه‌تنها ازتجربیات اتحادیه خویش، و نه تنها ازاتحادیه‌های دیگررشته‌های تولیدی، بلکه از تجربیات دیگرکارگران کشورخود و کشورهای دیگرنیز استفاده میکنند. آنها درعرف و قوانین کشوری خود چنین حقی راکسب کرده‌اند وبطریق اولی هرروزه مبارزات خود را برای بدست آوردن حقوق بیشترغنا می بخشند. اتحادیه‌های کارگری دراینجا بایکدیگر مناسبات رسمی دارند. کارگران برای احقاق حقوق خود حق بیان، حق تبلیغ و خلاصه‌حقوق سندیکائی دارند. درواقع کارگران اروپائی وبسیاری ازکشورهای دیگرتقریبا حقوق ناشناخته کارگری ندارند ویا اگر دارند، بسیارناچیزاست. داشتن تشکل ویژه‌خود، داشتن حق اعتصاب، داشتن حق کارواستفاده از بیمه‌بیکاری، بیمه‌اجتماعی، مسکن، بازنشستگی و ازکار افتادگی، بهداشت، مرخصی سالیانه، ساعت کار و... همه‌وهمه‌برای این کارگران حقوق مسلمی هستند، که ازجانب کارفرمایان و قوانین مملکتی برسمیت شناخته شده و مبارزات کارگران هرروز امکانات رفاهی بیشتری را بنفع کارگران برکارفرمایان تحمیل میکند و خلاصه‌کارگران دراینجا درزندگی وسرنوشت خود حق دخالت دارند. بدیهی است این امکانات و داشتن چنین حقوقی دراثرمبارزات خود همین کارگران درحال و گذشته بدست آمده و کسی این شرایط رابآنها تقدیم نکرده‌است.

اما کارگران ایران چه‌شرایطی دارند؟ طبقه کارگرایران درزیرسلطه‌استبداد سلطنتی، سالهای سال برای داشتن حق تشکلهای مستقل خود مبارزه‌کرده‌اند و دربخشی ازصنایع وصنوف ازقبیل فلزکاران، چاپ خیاطان، کفاشان و... داشتن اتحادیه خود را با رژیم سلطنتی تحمیل کردند. مدتها بود که از طرف رژیم شاه اول ماه‌مه بعنوان روزهمبستگی کارگران جهان برسمیت شناخته نمی شد و در اول ماه‌مه نیز کارگران را مجبور به‌کار میکردند، تا سرانجام این روز بعنوان روز تعطیل برژیم شاه تحمیل گردید. رژیم سلطنتی ازهیچگونه فشاروسرکوب برکارگران فروگذار نمی کرد.

درآستانه‌انقلاب بهمن درسال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) کارگران بسرعت تشکلهای مستقل خود ازقبیل شوراهای کارخانه‌واتحادیه‌ها شوراها وسندیکاها را بوجود آوردند و درسرنوشت خود دخالت کردند. کارگران صنعت نفت بااعتصاب خود ضربه‌نهائی رابرپیکرفرتوت رژیم شاهنشاهی واردآوردند و کارگران رشته‌های مختلف تولیدی تشکلهای خود را پی ریختند. اما رژیم جمهوری اسلامی رژیمی نبود که وجود این تشکلها را تحمل کند و باهزاربهانه — ازجمله‌غیراسلامی بودن این تشکلها درصدد برچیدن آنها برآمد. اما تشکلهای کارگری اغلب نوپا و ضعیف بودند وهنوزآنچنان انسجام و قوامی رابدست نیاورده بودند تا بتوانند دربرابرسرکوب و یورش رژیم‌توان مقاومت داشته باشند. سرکوبهای خشن و وحشیانه رژیم ازسال ۶۰ آنچنان شدت گرفت که درمدت کوتاهی تمامی تشکلهای موجود وازجمله تشکلهای کارگری رادرهم‌شکست و دفاترآنها را اشغال نمود. این رژیم بجای این تشکلها، که توسط خود کارگران برپاشده بودند، تشکلهای "اسلامی" خود راسازماندهی نمود، این تشکلها عبارت بودند از: شوراهای اسلامی وانجمن های اسلامی. این تشکلهای فرمایشی چیزی نبود جزامکان تامین منافع کارفرمایان و درراس آنها تأمین منافع حکومت اسلامی. اما این تشکلهای فرمایشی تنها مدافع ساده رژیم اسلامی نبودند، آنها انجمن های جاسوسی رژیم برای شناسائی کارگران مبارز و پیشرو نیز بودند (وهستند). به‌همین خاطرهم اینک هرخواست ساده‌کارگران، مانند درخواست اضافه حقوق، بیمه، بهداشت محیط کار و... مخالفت بارژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد و موجب تعقیب و مجازات میشود. کارگران زن درایران وضع بمراتب بدتری دارند و اکثرآنان ازحق کارمحرومند.

←

کارگران آلمانی باید کارگران ایران را دریابند !

جنگ افروزی رژیم اسلامی ، که یک سنت اسلامی است ، بیش از همه بر کارگران ایران فشار می آورد. اختصاص بخش عظیمی از بودجه کشور به جنگ باعث شده تا رژیم نتواند مواد مورد نیاز صنایع وابسته ایران را از خارج وارد کند. بهمین جهت بتدریج بخشی از صنایع مجبور شده اند تا ورشکست و تعطیل شوند و کارگران آن اخراج گردند. بیکاری مصیبت بزرگی است که در این شرایط کارگران را تهدید میکند و بیش از $\frac{1}{5}$ کارگران ایران هم اکنون بیکارند. کسر حقوق اجباری از کارگران برای کمک به جنگ و اعزام اجباری کارگران به جبهه های جنگ نیز از دستاوردهای جنگ ارتجاعی بین ایران و عراق است که بر کارگران تحمیل شده است. بخشی از کارخانجات نیز از طرف رژیم اسلامی تبدیل به تولید صنایع نظامی شده اند.

امروزه طبقه کارگر ایران در شرایط دشواری بسر میبرد و اگرچه هم اکنون در شرایط تدافعی مبارزات خود را پیش میبرد ، اما بدلیل خصلت مبارزاتی خود هیچگاه تسلیم اختناق دستگاههای سرکوب رژیم اسلامی نشده. رژیم تاکنون چند لایحه پیشنهادی قانون کار تدوین کرده که همگی آنها حتی از قانون کار رژیم شاه بسیار ارتجاعی تر بوده اند ، اما این رژیم در اثر مقاومت پیچیده و متعدد کارگران قادر به تثبیت آنها نبوده است. تعطیلی اول ماه مه نیز از طرف رژیم غیرقانونی اعلام شد ، ولی کارگران ما عملا این روز را به تعطیلی می کشاندند و سرانجام رژیم در قانون کار فعلی خود این روز را برسمیت شناخته است. موارد زیادی وجود دارد که طبقه کارگر ایران خود را بمثابه طبقه تثبیت نموده و فشارهای متعدد از جمله اعدام ، شکنجه ، تعقیب و آوارگی برای بسیاری از کارگران ایران ، موجب تسلیم و یا سکوت آنها نشده است.

کارگران ایران علاوه بر نداشتن تشکلهای مستقل خود ، فاقد ارتباط با برادران کارگر خود در سایر کشورها هستند. آنها نمی توانند مشکلات و بی حقی قانونی خود را در قبال جمهوری اسلامی برای مردم و کارگران جهان تشریح نمایند ، و نمی توانند از حمایت بین المللی کارگران بهره مند شوند ، در حالیکه کارگران ایران نیز باید از چنین حقی برخوردار باشند ، همانطور که کارگران اروپائی برخوردارند. آنها باید حق کار ، حق زندگی بهتر ، حق اعتصاب و حق داشتن تشکل مستقل خود را داشته باشند ، همانطور که کارگران آلمانی ، فرانسوی و هرجای دیگر دارند. آنها حق دارند اول ماه مه را به نشانه همبستگی جهانی کارگران دست از کار بکشند و فریاد اتحاد با کارگران سایر کشورها سر دهند ، همانطور که در همه جا این فریاد را سر می دهند ...

کارگران عزیز!

برهمین مبنا ، ما بخشی از کارگران ایران در خارج از مرزهای ایران ، با تأسیس "جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران" تلاش داریم زبان گویا و بیان شیوای طبقه کارگر ایران در خارج از ایران باشیم تا وضعیت واقعی آنها را برای شما تشریح کنیم و از شما بخواهیم تا به هر طریق ممکن از حقوق کارگران ایران دفاع کنید. از حقوق کارگران ایران دفاع کنید !

زنده باد همبستگی جهانی کارگران !
پیروز باد مبارزات کارگران ایران !

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران !

بمناسبت اعلام موجودیت و انتشار اولین شماره نشریه ما دنباله از صفحه ۲

فشارهای مختلف جمهوری اسلامی مبارزه میکنند دستیابی به اهدافمان ممکن خواهد بود. از اینرو جنبش سندیکائی برای ایجاد چنین اتحاد و همبستگی کارگری تلاش میکند و درصدد است تا تمامی موانع را از پیش پا بردارد.

جنبش ما معتقد به استقلال خلق خویش بوده و از آزادی کامل همه موافقان و مخالفان خویش در ارائه نظراتشان دفاع کرده و تا آنجاکه در توان دارد از درج نظرات آنان در نشریه اش استقبال مینماید.

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران گرفتن ارتباط با سندیکاها ، اتحادیه ها و سازمانهای کارگری خارج از کشور ، با کارگران کشورهائی که هم اینک بصورت مهاجر در خارج زندگی میکنند و با سازمانها و گروههای مترقی سیاسی را جزو وظایف اصلی و دائمی خود میداند.

دوستان کارگر!

در شرایط فعلی وظایف دشواری بعهده ماست. متحداً در جهت انجام وظائفان و تعهداتی که نسبت به همرزمان خود داریم عمل کنیم. باشد که فردا دست در دست هم باروئی باز و سرفراز در مقابل برادران خود جوابگو باشیم.

www.iran-archive.com

نامهٔ سرگشاده‌ای خطاب به:

فعالین کارگری

و

کارگران ایرانی در تبعید!

کارگران تبعیدی!

می‌دانیم که کارگران ایران هم‌اکنون در چه شرایط دشواری کار و زندگی میکنند!

می‌دانیم که هرخواست برحق و ابتدائی کارگران در کشور ما ـ از مبارزه برای اضافه حقوق گرفته تا مطالبهٔ حق تشکل و حق اعتصاب ـ چگونه ابعاد سیاسی پیدا میکند و چگونه از سوی رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی سرکوب میشود!

می‌دانیم که وضعیت اقتصادی کارگران ایران چگونه است!

می‌دانیم که با دستمزد ناچیزی که کارگران ایران در قبال کار سنگین و طاقت فرسای روزانه دریافت می‌دارند، چگونه پاسخگوی هزینهٔ سنگین گذران زندگی زن و فرزندان آنها نمی‌باشد، و از جیره بندی و بازار سیاه کالاها اطلاع داریم!

می‌دانیم بیکاری، این هیولای دهشتناک، چگونه بر بالای سر کارگران ایستاده!

از وضع اسف بار کارگران زن در ایران باخبریم!

از حق کار در ایران اطلاع داریم!

از بیمه‌های اجتماعی کارگران خبر داریم!

وضع مسکن و کرایه خانه، ایاب و ذهاب، بهداشت محیط کار و زیست و ... کارگران را می‌دانیم!

از سرکوب و اختناقی که با بقدرت رسیدن رژیم سفاك جمهوری اسلامی برکشور ما حاکم شده، که گوی سبقت را از رژیم ستمشاهی ربوده، و هرفریاد حق طلبانه‌ای را در گلو خفه میکند، مطلعیم!

مزهٔ تحقیر عمومی و بویژه تحقیر کارگران را از جانب حکام ایران و سرمایه‌داران چشیده‌ایم!

وضع مدارس؛ سیستم آموزشی، اعزام اجباری کودکان به جبهه‌ها و... را دیده‌ایم!

از زندانها، شکنجه‌ها، اعدامها، آوارگیها و دشواریهای فراوان در ایران آگاهی داریم!

از جنگ و فشارهای ناشی از آن، از دربدریها و ویرانیها و... بی‌خبر نیستیم!

دوست، رفیق و برادر کارگر تبعیدی!

با اینهمه ستم طبقاتی مضاعفی که برادران طبقاتی ما در کشور ما متحمل می‌شوند،

با اینکه دستمزد روزانهٔ کارگر بسختی نان و پنیری برای خانواده‌اش فراهم می‌آورد،

با اینکه بیکاری هرلحظه زندگی و حیثیت اجتماعی‌اش را تهدید میکند،

بقیه در صفحه ۱۲

www.iran-archive.com

مرداد ماه ۱۳۵۷

مروری برمبارزات کارگران درسال ۵۷

دو هزار کارگر ماشین سازی تبریز بایث اعتصاب پرشور و سازمان‌یافته موفق شدند بخشی از خواستهای خود را بدست آورند. هفته‌ها بود که کارگران به علت عدم پرداخت حقوق اضافه کارشان دست از کار کشیده و به مدت سه روز اعتصاب کردند. در این اعتصاب مهندسین و سایر کارکنان به آنها پیوستند و پس از سه روز با وعده و وعید مسئولین به سر کار خود بازگشتند. طی این هفته کارگران در مراجعه برای دستمزد خود با وعده های توخالی روبرو شدند تا اینکه حدود ۱۳ مرداد همگی دست از کار کشیده و تا پنجشنبه روز ۱۹ مرداد در محوطه جمع گردیدند.

روز ۱۹ مرداد ماموران انتظامی از ورود کارگران به محوطه جلوگیری کردند. کارگران تصمیم گرفتند در میدان کارگر تبریز جمع شوند. مردم در استقبال به آنها پیوستند. در این موقع کارگران با حمله پلیس روبرو شدند، اما این هجوم بعلت صف متحد کارگران بی اثر ماند تا جائیکه استاندار آذربایجان مجبور گردید که با کارگران وارد مذاکره شود. در این مذاکره با تمام خواست کارگران موافقت شد و کارگران پیروز به سر کار خود باز گشتند.

روز سه شنبه ۲۱ مرداد حدود ۱۸۰۰ کارگر زن و مرد کارخانه چیت سازی بهشهر به عنوان اعتراض به شرایط دشوار کار و عدم توجه کارفرمایان به خواست های خود اعتصاب را آغاز کردند. کارگران هر روز در محوطه کارخانه جمع شده و با یکپارچگی کامل از رفتن به سر کار ممانعت می کنند. سندیکای کارگران طی تلگرامی برای مقامات مختلف از بی توجهی مدیریت کارخانه به خواستهایشان شکایت کردند. اعتصاب پس از ۱۲ روز با تعهد مسئولین در ده روز آینده موقتا پایان یافت. کارگران اعلام داشتند در صورت عدم اجرای تعهد مسئولین دست به اعتصاب دوباره خواهند زد. کارگران پیروز پس از ۱۲ روز به سر کار خود بازگشتند.

از مبارزات سندیکائی کارگران کشورها بیاموزیم

دنباله از صفحه اول

پروانه عبور می گرفتند. ثالثا: با وضع قوانینی مانع تشکیل سندیکا بوسیله سیاه‌ها و مانع پیوستن آنها به سندیکاهای دیگر نژادها شدند. کارگران سیاه فقط می توانستند در کمیته کارخانه و کمیته ارتباط که توسط کارفرما انتصاب میشد و ریاستش را یک سفید پوست عهده دار بود، حضور داشته باشند. در مقابل، سندیکاهای کارگران سفید و رنگین پوست که دولت آنها را به رسمیت می شناخت وجود داشت که نه تنها آنها بلکه کمیته ارتباط و کمیته‌های کارخانه، نیز مجموعا در خدمت رژیم بودند چرا که رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی با دادن امتیازاتی به کارگران سفید پوست و در حد محدودی به کارگران رنگین پوست از آنها به عنوان پایگاهش علیه کارگران سیاه که اکثریت جامعه هستند استفاده می کرد.

از سال ۷۶ به بعد کارگران سیاه حق تشکیل سندیکا را بدست آوردند و رژیم نژاد پرست برطبق لایحه قانونی آن را به رسمیت شناخت. با اینهمه فعالیت سندیکائی اساسا مخفی مانده است و کارگران سیاه علاقه چندانی برای به ثبت رساندن سندیکاهای خود و یا شرکت علنی در آنها از خود نشان نداده‌اند. از مجموع حدود ۱۰ میلیون کارگر سیاه پوست حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار نفر آنها عضو سندیکا هستند. آنها برای رسیدن به حق تشکیل رسمی سندیکا مبارزات طولانی را پشت سر نهاده‌اند کارگران سیاه به علت آنکه سندیکاهای رسمی همیشه در خدمت رژیم نژاد پرست بودند و در جهت ابقاء رژیم نژاد پرست حرکت کرده اند، هنوز نسبت به حق تشکیل سندیکا که بدست آورده‌اند به آن با تردید می نگرند.

سندیکاهای سیاهان با وجود تاریخ کوتاه شکل گیری و سرکوب سنگینی از طرف رژیم توانست زنده مانده و خودش را سازمان دهد.

ادامه دارد

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

www.iranarchive.com

طـــرح

پلاتفـــرم

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران

طبقه کارگرایران زیرسلطه رژیـم سیـاه جمهوری اسـلامی دشوارترین شرایط مبارزاتی خـــود را می گذراند ،امااین طبقه بـرای حفـظ موقعیت وسطح معیشت خود قهرمانانه ترین مبارزه را در فعالیـت روزمره به پیش می برد .

هم اینک کارگران ایران حق هیچگونه تشکل مستقل از نهادهای ایدئولوژیک حکومتی راندارنـد . برابرقوانین جاری و دردست تصویب ،تنهانهادهای اسلامی کارگری ،که تحت کنترل حکومت هستنـد ، اجازه فعالیت وتشکیل شدن دارند . این نهادهاانجمن اسلامی کارگران وشوراهای اسلامی کارهستند . درحقیقت برپائی هرتشکل مستقل کارگری و مبارزه برای حقوق توده طبقه کارگرمطلقاً ممنوع است . این از یکطرف بعلت وحشت رژیم اسلامی از حرکت مستقل طبقه کارگراست ؛زیراآزادی فعالیت این طبقه بقاءرژیـــم ارتجاعی اسلامی راباخطرجدی مواجه خواهدساخت ،از سوی دیگردلیل فقدان آزادیها وحقـــوق دمکراتیک عموم مردم ایران است ــ حقوقی که اساساًباحیات حکومت اسلامی منافات دارد ــ وآزادی سیاسی دراین کشوریه چیزی جز سرنگونی رژیم نخواهدانجامید .

درمقطع کنونی ،زندگی و مبارزه طبقه کارگرایران دراثرجنگ خانمان براندازهرروز تباه تروسخت تـر شده است . از یکسو کارگران رامستقیم وغیرمستقیم درخدمت جبهه می گیرند وازسوی دیگرباتعمیق بحـران اقتصادی ونیازهای جنگ ،موج بیکارسازی واخراج از کارخانه هاصدمات جبران ناپذیری به حیات طبقـــه کارگروارد می آورد . جنگ همچنین بدلیل بهانه ای برای تشدید فشار ،سرکوب واختناق توسط رژیم ،بعنوان مانع بزرگی برسرراه ایجاد وفعالیت تشکلهای کارگری و مبارزه برای حقوق توده کارگران ،عمل می نمایـــد .

کارگران زن درمجموعه زندگی دشوارکارگران ایران ،شرایط بمراتب بدتری دارند وهرروز بیش از پیش از امکان اشتغال وکـار محروم می گردند .

طبقه کارگرایران امادرمقابل این شرایط ودرسرابردیکتاتوری اسلامی واستثمارسرمایه داری ساکت نبوده وبیشترین مبـارزه را پیش برده است . بااینکه هزاران کارگردرسیاهچالهای رژیم اسیرند ،تعداد زیـــادی ازآنان اعدام شده اند وبیشترازاین تعداداز فعالین کارگری تبعید ویااخراج گشته اند ،بااینهمه اعتصابات فراوان وباشکوه سالهای سیاه اخیر ،همه وهمه نشان دهنده مبارزه حاد وپیگیرطبقه کارگرایران است ،کـــه هرروزه ادامه دارد ،مبارزه ای که بارسنگینی رابردوش کارگران وخانواده های محروم آنهاتحمیل میکنـــد ، مبارزه ای که گسترش آن حلقوم رژیـم اسلامی راخواهد فشرد .

هم اکنون بین مبارزات طبقه کارگرایران باکارگران جهان گسست ایجادشده ،درحالیکه مبارزه طبقه کارگـر ایران می تواند وباید حمایت بین المللی برادران کارگرخود راد راقصی نقاط جهان برانگیزد . کارگـــران کشورهای مختلف بایداز شرایط سخت طبقه کارگرایران ،که فاقـد اولیه ترین حقوق است وبرای آن مـی ــ جنگد ،مطلع شوند . اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف وتشکلهای جهانی کارگری مترقی همچـــون

←

"فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری" باید بعنوان پشتیبان حقوق کارگران ایران نقش خود را ایفا کنند.

ما بخشی از فعالین جنبش کارگری ایران، که بناچار کشور خود را ترک کرده ایم، بعنوان فعالین تبعیدی، وظیفه خود می دانیم که از مبارزات جاری، دائمی و نهائی طبقه کارگر ایران در هرکجا، دفاع کنیم. ما وظیفه خود میدانیم که با مرتبط کردن جنبش سندیکائی و مبارزه برای حقوق توده طبقه کارگر ایران با اتحادیه های کارگری و "فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری" حمایت بین المللی از مبارزات کارگران ایران و همچنین حمایت متقابل خود از کارگران دیگر کشورها را تأمین نمائیم. ما بدین منظور در این راه گام نهاده و همه فعالین کارگری ایران را که اکنون در خارج از کشور بسر می برند فرا میخوانیم تا مشترکاً جنبش دفاع بین المللی کارگری از مبارزات طبقه کارگر ایران را سازمان دهیم. خواستهای ویژه و عمومی ما بشرح زیرند:

۱ــ دفاع از حق طبقه کارگر ایران برای برپائی اتحادیه ها و هرنوع تشکل مستقل کارگری و حق اعتصاب

۲ــ دفاع از اعتصابات و مبارزات طبقه کارگر ایران

۳ــ دفاع از بهبود سطح زندگی و معیشت کارگران ایران

۴ــ دفاع از حقوق ویژه زنان کارگر و دفاع از برابری کامل حقوق زنان با مردان در برابر کار مساوی

۵ــ دفاع از حق کار و بیمه بیکاری

۶ــ دفاع از حق دخالت تشکلهای مستقل کارگری در تدوین قانون کار

۷ــ دفاع از حقوق فعالین کارگری زندانی و اخراجی و خانواده های آنها

۸ــ جلوگیری از اعزام اجباری کارگران به جبهه، کسر حقوق اجباری برای جنگ، اخراجهای دستجمعی، دستگیری و سرکوب کارگران

۹ــ دفاع از آزادی زندانیان سیاسی

۱۰ــ دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم ایران

۱۱ــ دفاع از قطع بدون قید و شرط جنگ ایران و عراق و صلح دمکراتیک

۱۲ــ همبستگی با جنبش طبقه جهانی کارگر و دفاع از مبارزات کارگران همه کشورها.

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران

اول ماه مه ۱۹۸۸

منتشر شد:

پیوند

شماره ۲ خرداد ماه ۱۳۶۷

نشریه جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران ــ واحد دانمارک

www.iran-archive.com

شاگرد زرنگ!

کاوه دریازگشت از مدرسه با خوشحالی به پدرش گفت :

ـ بابا ، فرزاد اینا خونه خریدن !

ـ خوب ! چند خریدن و کجا !

ـ نمید و نم کجا ، ولی میگه هشتصد هزار تومن ... بابا ، حالا که حقوقت اضافه شده ، ما هم میتونیم خونه بخریم !

ـ نه بابا جون ، ما نمی تونیم خونه بخریم ! مگه چقدر حقوقم اضافه شده ـ روزی هشت تومن !

ـ خب ، روزی هشت تومنو بذاریم کنار ! اونام از پس اندازشون خونه خریدن !

ـ پسرجون ، روزی هشت تومنو چجوری بذاریم کنار ؟ مگه نمی بینی با چه مصیبتی داریم زندگی می کنیم ؟ ! هشت تومان الان چه ارزشی داره ! پونزده ساله کارگری میکنم ، تازه حقوقم شده ۷۴۰ تومن ، ولی تا حالا یک قرون که نتونستیم پس انداز کنیم ، هیچ ، بسختی زندگی مونو چرخوندیم . گوشت ، تخم مرغ و چیزای دیگه که هر روز یه قیمتی داره ـ ، همیشه گرونتر میشه ـ با هشت تومن چیکار میشه کرد ؟ با این حقوق که نمی شه خونه خرید !

ـ ولی بابا ، فکرکن امسال اصلا حقوقت زیاد نشده ، اونو بذار کنار !

مادر کاوه گفت :

ـ کاوه جون ! مگه خودت دیروز نمی گفتی یه دفترچه ۲۰ برگی ، که یه زمانی دو تومن بود ، شده ۲۵ تومن و تونستی بخری ؟

ـ آره ، ولی فکرشو بکن ، اگه خونه داشتیم ، هم ماهی ۱۲۰۰ تومن اجار خونه نمی دیم ، و هم از یه اتاق بیشتر داریم !

پدر کاوه گفت :

ـ خوب ، فرض کن ماروزی هشت تومنو کنار بذاریم ، اول ناهارتو بخور ، بعد بشین حساب کن ببین چند سال دیگه میتونیم یه خونه هشتصد هزار تومنی بخریم . البته درصورتیکه قیمت خونه همینطور بمونه ، درصورتیکه بمب روی سرمون نریزه ، درصورتیکه بیکار نشم و درصورتیکه هزارویک بدبختی دیگه دامنگیرمون نشه .

کاوه با خوشحالی گفت :

ـ اول حساب میکنم ، بعد ناهار میخورم !

پس از ۱۵ دقیقه محاسبه ، کاوه جواب مسئله را درآورد :

ـ ۲۷۷/۷ سال !

دعوت!

دوستم ، همدرد و همکارم !
حرف دارم ، ...
راه می جویم ، ...
درد می دارم ،
دردِ ناشی از ستم .
رنجِ استثمارِ ساعتهای کار ،
رنجِ کارِ سالها و ماهها
تارو پود و مویرگهای مرا ،
استخوان و خون و اندامِ مرا
بلعیده است !
لیک ،
چاره میخواهم کنم
دردِ استثمار را !

کارگر بودی اگر ،
کارگر هستی اگر ،
نیستی گر کارگر ،
مهر می داری اگر ،
شور می داری اگر
از برای کارگر ،
دست در دست کار !

یک کارگر

دعوت از طراحان

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران به یک آرم مناسب برای خود نیاز دارد . طبیعی است که آرم مورد نظر میبایستی بازگوکننده مسائل کارگری باشد .

از دوستان و رفقا تقاضا داریم طرح یا ایده خود را در این زمینه برای ما ارسال دارند .

با تشکر قبلی

برای حمایت از مبارزات کارگران ایران متحد شویم!

www.iran-archive.com

اعتصاب کارگران زامیاد در برابر اعزام اجباری به صنایع نظامی

تولیدات این کارخانه که براثر تداوم سیاستهای توسعه طلبانه رژیم اسلامی و قطع سهمیه ارزی بحالت رکود درآمده ، علیرغم چندین دور بازخرید گسترده ، بهره‌کشان جنگ افروز را به اتخاذ تدابیر تازه‌تری جهت اعزام کارگران به صنایع نظامی ودرگامهای بعدی اخراج بی دردسرشان واداشته است.

اوایل اردیبهشت ماه به‌نروهی از کارگران زامیاد اطلاع میدهند که حدود ۸۰۰ نفر از آنها درگروههای ۱۲۰ ــ ۱۰۰ نفری درچندنوبت بعنوان مأموریه صنایع نظامی اعزام شوند وبه اولین گروه ۱۲۰ نفری اطلاع داده میشود که روز دهم اردیبهشت به کارخانه پارس خودرو حضور میابند ، اما مسئولین کارخانه میگویند که فعلا در قسمتها نیاز به نیروندارند و پیشنهاد میکنند که موقتا در سطوح کارهای خدماتی همکاری کنند تا در آینده نسبت به‌جابجائی و دسته بندی آنها تصمیم گیری شود. کارگران ، که احساس میکنند توطئه ای درکاراست و احتمالا میخواهند آنهارا بی دردسر اخراج نمایند ، تصمیم میگیرند که روز بعد به واحد کاری خود بازگردند. فردای آنروز آنها جلوی درکارخانه زامیاد تجمع میکنند ولی انتظامات کارخانه مانع از ورود آنها میشوند . آنها مطلع میشوند که کارتهایشان نیز از تابلو برداشته شده . این خبر در همه قسمتهای کارخانه پخش میشود و کارگران دست از کار می کشند و در محوطه فضای سبز جلوی ساختمان مدیریت جمع میشوند و خواستار بازگشت کارگران می گردند . اما از مدیریت خبری نبود و عوامل خودفروخته انجمن اسلامی و شورای فرمایشی میگویند که امروز روز کارگراست و از مسئولین کارخانه کسی نیست ، بروید سرکارهایتان ، فردا مدیران میآیند و جواب خواهند داد .

روز بعد مجددا کارگران اخراجی در بیرون کارخانه و کارگران قسمتها جلوی ساختمان مدیریت جمع شده و خواستار بازگشت کارگران بسرکارهایشان شدند . مدیریت سعی کرد با عوامفریبی کارگران را بر سرکارهایشان برگرداند . اما کارگران آنروز را کار نکردند . فردای آنروز نیز مجددا کارگران جلوی ساختمان مدیریت تجمع میکنند ، اما چون نتیجه‌ای نمیگیرند ، رأسا اقدام به بازکردن درکارخانه میکنند و کارگران پشت درواردکارخانه میشوند و شعار "کار ، کار ، اینست شعار بیکار" سرمیدهند . مزدوران سپاه و کمیته به‌کارخانه هجوم میآورند و باسلاحهای گرم خود بسوی کارگران اعتصابی نشانه‌میروند . اما کارگران تسلیم نمی شوند . اما براثر عدم هماهنگی دربین کارگران برسرنحوه اقدام حرکت بحث هائی درمیگیرد .

روز ۱۴ اردیبهشت ماه مدیریت کارخانه دررکاب مأمورین مسلح سپاه و کمیته به سخنرانی پرداخت و با فریب و تهدید از کارگران خواست تا برسرکارخود بازگردند . ناهماهنگی و تردیدی که از روز قبل آغاز شده بود ، باعث بحثهائی گردید که سرانجام کارگران بتدریج عقب نشینی کرده و به‌اعتصاب سه روزه خود پایان دادند و مزدوران کمیته نیز از این تشتت کارگران استفاده کرده ۲۵ نفر از کارگران را تحت عنوان خرابکار دستگیرکرده و باخود می برند ، که از سرنوشت آنها اطلاعی دردست نیست .

از صفحه ۶

با اینکه شورای اسلامی درصدد بخطر انداختن زندگی و مبارزه اوست ،

با اینکه کارگران ایران اینهمه فریاد درگلو دارند ،

با اینکه رژیم سرکوب و اختناق بین کارگران ایران و کارگران جهان دیوار آهنین کشیده است ،

... اما کارگران ایران تسلیم نشده اند ،

اما کارگران ایران بهرطریق ممکن فریاد خود را می کشند ،

اما کارگران ایران هرروزه راههای جدید مبارزه را می آموزند و تجربه میکنند ؛

اگرچه این مبارزات خود بخودی باشد ،

اگرچه این فریادها و مبارزات فعلا بایکدیگر گره نخورند ؛

اما کارگران ایران ساکت ننشسته اند .

دوست عزیز، رفیق کارگر تبعیدی !

ما نیز، که در اثر تهدید زندان و مرگ ازکشور خود گریخته ایم ،

ما نیز، که تا دیروز و پارسال چنین وضعی را داشتیم ،

ما نیز، که سالها از دسترنج روزانه مان نان شب بدست می آوردیم ،

ما نیز، که با تهدیدها ، تحقیرها ، دشواریهای اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی ، خطرها و مبارزات آنها شریک بودیم ،

ما نیز، که شبانه روز درفکر راه چاره ای برای نجات خود و طبقه خود بودیم ،

ما نیز، که طرق گوناگونی را برای پیشبرد مبارزات خود تجربه میکردیم ،

ما نیز، که سرنوشتمان به سرنوشت آنها گره خورده است ،

و ... و ...

امروز هم که از چنگال خونریز رژیم جمهوری اسلامی فرارکرده ایم و از استثمار شدید درکارخانه بکاریم و ...

امروز هم وظیفه داریم !

اگر دیروز بطور مستقیم درمقابل کارفرمایان و رژیم می ایستادیم ،

امروز هم باید بطریق دیگری ادامه دهیم !

چگونه ؟

می دانیم که تمامی کارگران جهان از یک طبقه اند و مشکلات و معضلات مشابهی دارند ، که این مشکلات و معضلات همگی از استثمار ناشی میگردد . به همین دلیل تمامی کارگران جهان مدتهاست پیوند برادرانه ای بایکدیگر برقرارکرده اند و این پیوند آنچنان تحکیم یافته ، که کارگران جهان سراسرگیتی را متعلق به خود می دانند ! و این یک زیاده طلبی نامعقول نیست ؛ زیرا کارگران جهان رسالت برچیدن ریشه تمامی مفاسد اجتماعی ــ یعنی استثمار انسان از انسان ــ را دارند ...

←

www.iran-archive.com

←

... و ما می‌توانیم این پیوند برادرانهٔ کارگران ایران را با کارگران کشوری که موقتاً در آن بسر میبریم برقرار کنیم و از این طریق وضعیت کارگران ایران را ــ آنطور که هست ــ برایشان تشریح نمائیم و با اسناد و مدارک شرایط کار و زندگی کارگران در ایران را برایشان توضیح دهیم و حمایت متشکل و فعال جهانی کارگران را بنفع کارگران ایران برانگیزیم و این حمایت ها را سازمان دهیم. علاوه بر آن، از این طریق خواهیم توانست از مبارزات روزافزون و روبه‌گسترش کارگران ایران بطور متشکل پشتیبانی کرده و در سطح جهانی انعکاس دهیم. اما پیش‌شرط این کارها متشکل شدن خودمان در تبعیدگاه فعلی‌مان است.

این وظیفه‌ای است که بعهدهٔ ماست، درحالیکه کارگران کشور ما هم‌اکنون فاقد چنین امکانی هستند.

دوست و رفیق کارگر در تبعید!

ما خوب می‌دانیم که برای پیشبرد مبارزات کارگری، در صورتیکه به‌این مبارزه اعتقاد داشته باشیم ــ و ناچاریم که داشته باشیم! ــ داشتن عقاید گوناگون نه تنها مانعی ندارد، بلکه این مبارزات علاوه برهموار کردن صف متحدمان ــ که وحشت دشمن را فراهم میآورد ــ، پیوند طبیعی‌مان را به‌اثبات می‌رساند.

دیده‌ایم و می‌بینیم که طبقهٔ کارگر ایران با همهٔ معضلات عدیده چگونه استوار ایستاده، به‌خود متکی است و راه مستقل خود را می‌رود...

ما نیز بعنوان کارگر ــ یا کارگر دیروزی و تبعیدی امروزی ــ با اتکای بخود، دست بدست هم دهیم و برای دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران بپاخیزیم! و آنها که منافعی جز منافع طبقهٔ کارگر ندارند، ما را یاری کنند.

فعالین کارگری و کارگران تبعیدی ایرانی!

بمنظور سازماندهی یک جنبش مستقل و سراسری برای دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران در خارج کشور، تدارک یک انتخابات دمکراتیک برای تعیین هیئت مدیره، تهیهٔ اسناد و مدارک و تحقیق در زمینهٔ مسائل کارگری، چاپ نشریهٔ سراسری بزبانهای مختلف، برقراری ارتباط با اتحادیه‌های کارگری مختلف، تهیهٔ اخبار کارگری ایران و جهان، تبلیغات و ارتباطات گسترده، پشتیبانی فعال و گسترده از مبارزات کارگران ایران و... نیاز به نیروی بسیار است. برای هرچه پربارتر کردن این جنبش همکاری کنیم!

برای ارائهٔ پیشنهادات، نظرات، مقالات، اخبار کارگری، اطلاعات کارگری و... و نیز برای دریافت اساسنامهٔ جنبش، اعلام همکاری و یا نام‌نویسی برای عضویت، با فعالین ما و یا بانشانی زیر با ما تماس بگیرید:

دفتر مرکزی: آلمان فدرال
Postlagerkarte
Nr. 123903 C
53 Bonn 1
W. Germany

هیئت مؤسس جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران
در خارج از کشور

www.iran-archive.com

خاطرات یک کارگر تبعیدی

کارخانه کنسرو ماهی جزیره کیش: کار با اعمال شاقه

در سال ۱۳۶۲ جهت کار در کارخانه ای که به تولید کنسرو ماهی شهرت داشت وارد جزیره کیش شدم. گرما و شرجی هوا بحدی بود که تنفس را مشکل کرده بود. پس از رفتن به دفتر مدیریت و معرفی خود بمن گفتند که کارخانه بعد از یکماه دیگر شروع بکار خواهد کرد. به محل کارخانه رفتم. عده‌ای کارگر مشغول نقاشی و تعمیرات و نظافت انبار و سالن تولید و غیره بودند. سالن اصلی تولید بدلیل وجود سردکننده قوی که مرتب کار می‌کرد کمی خنک بود، ولی از قسمتهای دیگر آتش می بارید. .. های نحیف و تکیده و پوست تیره کارگران نشان از آن داشت که عالی جنوب ایران هستند.

بعد از مدتی که کارخانه مجدداً شروع به کار نمود بتدریج متوجه شدم که این مردم زحمتکش با چه مشقتی زندگی می کنند و درجه استثمار وحشیانه این مردم حد و مرزی نمی‌شناسد. بسیاری از آنها کارگران بلوچ بودند که بزحمت می شد در بین آنها باسوادی پیدا کرد. چند نفری هم بودند که از روستاهای اطراف میناب و بندرعباس به آنجا آمده بودند. ۲ الی ۳ نفر از کارگران هم ترک بودند که تقریباً می توانستند بخوانند و بنویسند و اکثر اینها بیدند که نامه‌های بقیه کارگران را برایشان میخواندند.

از اوضاع کارخانه بگویم که اسفناکتر از آن در هیچکدام از کارخانجات صنایع غذائی ایران ندیده بودم. از مشخصات کارخانه توضیح بدهم: گویا قبل از انقلاب محل کارخانه که بسیار هم بزرگ بود رختشویخانه بوده است البته این رختشویخانه با ظرفیت بسیار بزرگی ساخته شده بود که بتدریج و با تکمیل سایر تاسیسات توریستی جزیره و ایجاد هتل دوم و سوم بازهم تکافوی احتیاجات نبود و بهر تقدیر بعد از انقلاب ماشینهای عظیم رختشویخانه را به بخش خصوصی فروختند و در محل آن با مشارکت بخش خصوصی اقدام به ایجاد کارخانه تولید کنسرو ماهی نمودند.

محصول کارخانه همان کنسرو ماهی تن بود که چیزی مشابه کنسرو تن بندرعباس ولی از نظر کیفیت بسته بندی بسیار پائین تر از آن بود. چون دستگاه پرکن ماهی در خط تولید تعبیه نشده بود، لذا کارگران می بایست با دست قوطی را پر می کردند. میزان تولید کارخانه با وجود ۲ دستگاه ماشین درپندی قوطی روزانه ده هزار قوطی کنسرو ماهی بود. معمولاً از ۲ دستگاه همیشه یک دستگاه خراب بود، لذا بخاطر جلوگیری از افت تولید کارگران را با اضافه کاری و بزور وادار به ادامه کار می کردند. از دستکش و لباس کار و وسائل ایمنی در محیط کار خبری نبود. دادن ناهار را موکول به اضافه کاری کرده بودند، یعنی اگر کار ادامه می یافت، در آنصورت ناهار داده میشد که البته باید گفت صد رحمت به غذاهای دوران سربازی.

در اینجا از بیمه خبری نبود. کارخانه کارگران را بصورت فصلی استخدام می کرد تا بتواند براحتی و بدون مزایا آنها را اخراج کند. کارگران هم از حقوق اولیه و ابتدائی خود بی خبر بودند. بهداشت و درمان وضع رقت آوری داشت. در کل جزیره کیش با حدود ۵ هزار نفر جمعیت تنها یک درمانگاه بدون وسایل و یک پزشک که اکثراً وقتها هم در سرکار حاضر نبود، وجود داشت. از دارو هم فقط قرصهای مسکن و شربت سینه و قرص اسهال فراوان و بقیه نایاب بود. چنانچه سانحه‌ای در حین کار رخ میداد یا میبایست متوسل به بیمارستان پایگاه بندر جزیره شد، که اغلب از پذیرفتن مجروحین غیرنظامی خودداری میکرد، یا اینکه میبایست یکساعت با قایق موتوری از طریق آب و آنهم از راه زمین تا بندرلنگه طی طریق نمود، که تازه معلوم نبود در آنجا وضع بهتر از جزیره باشد. چنانچه کارگری مریض می شد و قادر به ادامه کار نمی گردید، برای او غیبت رد می کردند و حق ایام غیبت را نمی پرداختند. استفاده از مرخصی با حقوق برای کارگران مفهومی نداشت، چراکه می گفتند به کارگر فصلی مرخصی تعلق نمی‌گیرد و استفاده از مرخصی ساعتی بندرت و با کسر حقوق توام بود.

یکبار کارگری را دیدم که با خوشحالی می گفت یکساعت مرخصی گرفته تا برود به درمانگاه جزیره و انگشت دستش را که بخاطر فرو رفتن تیغ ماهی چرک کرده بود مداوا کند.

در اینجا فشار کار بحدی بود که قابل توصیف نیست. یکی از شگردهای مدیریت این بود که پنجشنبه ها که فردای آن روز تعطیل کارگران بود معمولا به بهانه خراب شدن سردخانه یا قطع برق مقدار ماهی بیشتری را به کارخانه آبرلیبی آوردند و از آنجا که اگر ماهی ها کنسرو نمی‌شدند تا فردای آنروز همگی فاسد می شدند لذا کارگران را وادار می کردند که تا ۱۶ ساعت کاری وقفه نمایند و روز جمعه که معمولا روز خرید و ملاقات و دید و بازدید کارگران بود همه کارگران از خستگی درخواب بودند. بطوریکه بارها کارگران سئوال می کردند: "چرا همیشه روزهای پنجشنبه سردخانه خراب میشود؟!"

خانه های کارگران اطاقهائی بود که با بلوک سیمانی ساخته و سقف آنها را ایرانیت انداخته بودند و کارگران برای جلوگیری از گرم و سرمای آن پوشال و گونی مالیده بودند. در هر اطاق سه نفر کارگر زندگی می کرد و وسایل زندگیشان شامل یک حصیر برای کف اتاق، یک کوزه آب، یک تشک ابری و یک پتو، و آنهائی که قدیمی تر بودند یک دستگاه ضبط صوت که توجزیره خیلی ارزان بود خریده بودند. در زمستان یکبار توفان سختی که توام با رگبار شدید باران بود، سقف تمام خانه های کارگران را کند و تمام زندگیشان را آب گرفت. و این در حالی بود که مدیران و مسئولین طراز اول کارخانه همگی در ویلاهای مدرن و مجهز به تهویه مطبوع که از زمان شاه بجا مانده بود زندگی می کردند و هربار هم که از آنها می پرسیدیم که چرا به کارگرها کولر و یخچال نمی دهید، در جواب می گفتند: "اینها به این آب و هوا عادت دارند و احتیاج به این وسایل ندارند".

حقوق کارگران بسیار ناچیز بود و به کارگران بهمین بهانه اینکه بومی هستند، حق بدی آب و هوا پرداخت نمی شد. حداقل حقوق ۲ هزار تومان و حداکثر ۵۰۰ تومان بود البته با احتساب اضافه کاریها. از بعضی از کارگرها که می پرسیدم که حقوق شما خیلی کم است چرا اعتراض نمی کنید، می گفتند که "چیکار کنیم، هرجا بریم همینه، بیشتر از این بهما نمیدهند. تازه اگر اینکار را هم نکنیم از دستمون رفته". بعضی ها که باهوش تر بودند می گفتند: "آمدیم راه و چاه را پیدا کنیم، اگر شه قدری پول جمع کنیم بدهیم به یکی از این ناخداها تا با لنج ماروبیره آنطرف (منظور یکی از کشورهای شیخ نشین یا کویت)". می گفتند که اقوامشان آنطرفند و پول خوبی درمی آورند.

بهار سال ۶۳ مدیران کارخانه طی قراردادی که با سپاه پاسداران منعقد کردند، تصمیم گرفتند که مواد اولیه کارخانه را طرف ۴ ماه تولید کنند. می گفتند که سپاه فشار آورده که جبهه ها احتیاج به مواد غذائی دارد با اضافه کردن کارگران فصلی و شیفته کردن کارخانه طرف ۴ ماه همه کارگرها بیکار شدند فقط برای ۱۵ نفر از کارگرها که رسمی بودند در جاهای دیگر کارتهیه کردند. روز آخر جلوی دفتر مدیریت غلغله بود. کارگرها اعتراض می کردند و علیه مدیریت شعار می دادند. فردای آنروز ۵ نفر از کارگرها را ماموران کمیته با کتک می برند تا سوار لنج کنند و تحویل کمیته بندرلنگه بدهند. بین آنها کارگری را دیدم که درحالیکه کتک می خورد مشتش را گره کرده بود و تو هوا تکان میداد و کارگرها و ماموران کمیته را هو میکردند و به زبان محلی فحش میدادند.

ولی آنروز اتفاق دیگری نیفتاد. فردای آنروز کارگرها دسته دسته کارخانه و جزیره را بطرف شهر و دیارشان ترک کردند. (ب ـ ی)

www.iran-archive.com

دنباله از صفحه ۱۶

قالیبافی ، نجاری وتراشکاری را تخصص محسوب نموده وکارگرانی راکه برای کار به اینگونه کارگاهها روی می آورند تا مدتهای طولانی (۲ الی ۳ سال) تحت عنوان کارآموزی ویادگیری تخصص ، تحت سخت ترین وناامن ترین شرایط کار استثمار میکنند وبه این ترتیب اولا درازای استثمار شدید کارگران ، عملا مزدی به آنان نمی پردازند وثانیا این مدت را تا هرزمان که بخواهند طولانی میکنند.

کارکودکان : سرمایه ، کودکان را دررشته های مختلف تولید کوچک وسیعا به کار میگیرد. کودکان ازسنین ۷ ـ ۸ سالگی یعنی درسن رشد بازی وتحصیل برای تامین گذران خانواده برای رهایی از گرسنگی ، وسایر مشقاتی که خانواده های کارگری با آن دست به گریبانند ، راهی کار دراین کارگاهها میشوند و بخش عمده ای از کارگران کارگاههای کوچک کمتر از ۱۶ سال دارند ودرحدود سنی ۷ ـ ۱۲ سال قرار دارند*. اکثرا به کارهای شاق وطاقت فرسا می پردازند و قراردادی برکار آنان حاکم نیست . انواع بیگاری ،خاص این بخش ازکارگران است که اکثریت را درکل کارگران کارگاهها تشکیل میدهند. تا چندسال متوالی تحت عنوان کارآموزی، کار میکنند و هرچندکه پس ازحداکثر یکسال بعنوان کارگر نیمه ماهر شناخته میشوند اما کارفرمایان ازبرسمیت شناختن آنان سرباز میزنند ومانع از آموختن ویادگیری کامل کار توسط شاگردان می گردند. دربرخی رشته ها شاگردان علاوه برکار درکارگاه ، باید کارهای خانگی کارفرمایشان را نیز انجام دهند. مجموعا کودکان بدلیل سن کم و کم تجربگی ،عدم مهارت درکار به دستمزد کم ،مدت کار طولانی ، تحقیر، توهین وبیگاری و... تن میدهند باید قبل ازسایر کارگران سرکار حاضر شوند. محل کار را تمیز وآماده کنند ویا ابزارها را روغن کاری کنند ودرکل پروسه کار ، کارهای خردوجزیی را انجام میدهند که تکرار دائم وهمیشگی این گونه کارها ،باعث مسخ فکری کارگران و مغلول شدن استعدادها وغرائز آنان میگردد .دستمزد آنان معمولا هفتگی پرداخت شده وهفته ای حداقل ۲۰ وحداکثر ۱۰۰ ـ ۱۵۰ تومان است .

کارکودکان علاوه برفوائدی که مستقیما وبلاواسطه برای کارفرمایان دربردارد ، بدین جهت که همواره طیف وسیعی ازکودکان ونوجوانان راکه تحت هرشرایطی وبا هرقیمت آماده فروش نیروی کارشان هستند ، دراختیار دارد وبا این اهرم فشار ،سایر کارگران را به تمکین در مقابل بیحقوقی واستثمار شدیدتر می راند ، برای کارفرمایان حائز سود است.

کارزنان : زنان کارگر شاغل درکارگاههای کوچک عمدتا به کار در کارگاههای قالیبافی اشتغال دارند ودرسنین کودکی ونوجوانی برای کمک به معاش وگذران خانواده به کار قالیبافی درکارگاههای کوچک روی می آورند. گذشته از ۱۲ ـ ۱۴ ساعت کار شاق درمحیطی که تنفس هوا ، کارگران را به سل وانواع بیماریهای تنفسی مبتلا میکند ، گذشته ازبیماریهایی مانند اختلال درگردش خون بدلیل بیحرکتی شدید ،کمسویی ونابینایی چشم ،پشت درد وکمردرد ،اختلال در زایمان ومرگ دراثر زایمان ،کارکنتراتی ،بیگاری وکار بدون مزد و دریک کلام استثمار بیحد وحساب ،کارگران زن کارخانگی ازقبیل لباس شستن ، غذا پختن ،تمیزکردن خانه ونگهداری ازفرزندان و... وبطورخلاصه بازتولید نیروی کار خود ،پدر ، برادر ،همسر وفرزندانشان را نیز بعهده دارند واین فشار طاقت فرسائی را درمحیط کار وزندگی برآنان وارد میسازد. زنان کارگر علاوه براینکه طی عادت ماهیانه ، فاقد هرگونه استراحتی هستند ،دردوران حاملگی وزایمان حداکثر چندروز قبل وبعد اززایمان میتوانند کار را تعطیل کنند که دستمزد این روزها را هم ازحقوقشان کسر میکنند .دریک کلام استثمار شدید وبیحقوقی کامل برزنان کارگر حاکم است . بخشی اززنان کارگر شاغل در کارگاههای قالیبافی با شروع فصل کار درکوره خانه ها ، کار قالیبافی را رها کرده وبا خانواده خود عازم کار درکوره های مناطق دیگر میشوند و ادامه کار شاق وپرمشقت قالیبافی را درکوره ها ازسر میگیرند.

نانوایی نیز یکی دیگر ازحرفه هایی است که زنان به آن اشتغال دارند ، ۱۲ ـ ۱۵ ساعت کار شاق درمقابل تنور داغ ، واریس ، درد عضلات وانواع بیماریها درازاء مزد ناچیزی که ازمزد مردان کارگر در مقابل کار یکسان با آنان ، نیز کمتر است ، حاصل کار پررنج زنان کارگر است . کار طاقت فرسای خانگی را نیز اضافه کنید تا خصلت کار زنان شاغل دراین کارگاهها بخوبی روشن شود.

شرایط کار

نگاه کوتاهی به رشته های گوناگون تولید درکارگاههای کوچک به روشنی شرایط کار دراین کارگاهها را نشان میدهد بچند نمونه توجه کنید: جوشکاری ، کاری است سنگین ، پرمشقت وتوانفرسا ،سر و صدای موتورگوش کارگران را بشدت می آزارد نورناشی ازکاربیت و جوش چشم را دچار ضعف وبیماریهای مختلف میکند. دیسک کمر نیز از بیماریهای رایج کارگران این رشته است . علاوه براین خطر همیشگی سقوط کارگران ازاسکلت ها ، آنان را تهدید میکند.

درکار آهنگری این مخاطرات روزمره کارگران را تهدید میکند : ترکیدن کپسول گاز وزخمی شدن کارگران ، خطر بریدن دست وپا ، فرورفتن براده آهن به چشم کارگران ودیسک کمر دراثر جابجایی مداوم آهن وابزار وآلات سنگین .

درکار نانوایی ،کارگران شبکاری دائمی دارند .باید تنور را ساعت ۴ صبح روشن کنند که انجام اینکار باعث بیخوابی مزمن میشود. کار درتابستان وگرما بسیار طاقت فرساست وآتش تنور داغ توان کارگران را تحلیل میبرد وآنان را پیروشکسته میکند .واریس ، کمردرد ، دردمزمن عضلات شانه وبازو ، کاهش بینایی چشم ، لرزش دائمی دست وپا ، خشکی وکم شدن آب بدن که ناشی ازعرق ریختن مداوم دربرابر تنورهای داغ است ، بدنهای نحیف وخشکیده از عوارض عادی کار کارگران نانواست .علاوه براین محیط کار کارگران نانوا آتش تنور وسروصدای دائمی مشتریان بیشتر ازهرمحیط دیگری اعصاب وتوان جسمی کارگران را تحلیل میبرد.

کارگران مکانیکی روزانه با دود وگرد وخاک موتورماشین درفضای بسته کارگاه خود روبرو بوده واکثرا به ناراحتی های تنفسی مبتلایند ، بدلیل سروصدای زیاد ناشی ازکار وتمرکز ودقت به روی موضوع کار به ناراحتی های عصبی مبتلا میشوند. کارگران نقاشی ورنگریزی بدلیل سروکار مداومشان با آب ، مرتب خیس بوده ودچار رماتیسم میشوند وبوی مدام رنگ ومواد شیمیایی آنان را بیمار میکند.

کارگران قالیباف درفضایی ازانبوه کرکهای پراکنده درهوا کار میکنند ومحیط کارگاهها نیز بدلیل اینکه نورخورشید رنگ نخ وپشم ها را کمرنگ میکند ،فاقد نورآفتاب بوده وهمیشه نمناک است .تمرکز بیش ازاندازه قوه بینایی کارگران به روی نقشه ها ورنگ قالی موجب کمسویی شدید چشم آنان میگردد .علاوه براین درد مفاصل ولمس وبیحرکت شدن بدن ، سل وانواع بیماریهای تنفسی ، وناراحتی هایی مانند اختلال در گردش خودن ، زایمان زنان و ... میشود.

درسنگبری ، موزائیک سازی وبلوک زنی ، کارگران بدون داشتن حداقل وسایل ایمنی کار درسرما وگرما وبدون سرپناه مناسب با ابزارهای بسیار ابتدایی وعقب مانده به تولید مشغولند وحوادث و مخاطرات ناشی ازاینکار سنگین کل نیروی جسمانی شان را تحلیل برده وفرسوده میکند.

و... واین تنها مختصری ازشرایط کار ناامن ، طاقت فرسا و تباهی آور کارگران کارگاههای کوچک است .

ادامه دارد

* ـ درحالیکه قانون کار جمهوری اسلامی اعلام میکند که اشتغال نوجوانان درکارگاههای خصوصی وبکارگیری افراد زیر ۱۲ سال ممنوع واز ۱۲ ـ ۱۵ سال کارآموزی محسوب میگردند.

www.iran-archive.com

فراخوان به فعالین کارگری ایران !

کارگران ایرانی !

طبقه کارگر ایران در نبردی نابرابر با رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی مبارزات خود را پیش می برد و از حق تشکل مستقل خود از جانب این رژیم محروم گردیده است. طبقه کارگر ایران تحت فشار سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و جنگ در شرایط دشواری بسر می برد ، اما مبارزات و وضعیت او به اطلاع برادران طبقاتی اش در سراسر جهان نمی رسد ، و از حمایت آنها بی بهره است . تعداد زیادی از کارگران پیشرو اعدام و زندانی ، و بسیاری از آنان به خارج از مرزهای ایران متواری شده اند . ما کارگران شجیدی موظفیم فریاد حق طلبانهٔ همزنجیران کارگر خود را به گوش جهانیان و برادران جهانی خود برسانیم و حمایت و دفاع متشکل آنان را برانگیزیم .

ما تعدادی از فعالین کارگری ایرانی که اینک در خارج از کشور بسر می بریم ، هیئت مؤسس جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران را تشکیل داده و اسناد مربوط به آن را تنظیم نموده ایم و از شما کارگران ایرانی، صرفنظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی، دعوت می کنیم تا در کنار ما جنبش دفاع بین المللی کارگری از مبارزات طبقه کارگر ایران را سازمان دهیم . چارچوب خواسته های ما در بلاغرمی که به همین منظور تنظیم شده مندرج است . بانشانی های زیر با ما مکاتبه کنید و نظرات و پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و مارا در برگزاری هرچه پربارتر مجمع عمومی یاری رسانید .

هیئت مؤسس جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران در خارج از کشور
اول ماه مه ۱۹۸۸

با

جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران

مکاتبه کنید

دفتر مرکزی: آلمان فدرال
Postlagerkarte
Nr. 123903 C
53 Bonn 1
W. Germany

قسمتهائی از جزوه

دربارهٔ کار و زندگی کارگران کارگاههای کوچک

از انتشارات کومه‌له

کارکنتراتی :

یکی از اشکال رایج پرداخت دستمزد در کارگاههای کوچک ، قطعه کاری و کارکنتراتی است . در رشته‌هایی مانند نانوایی ، خوشکاری ، سنگبری ، موزائیک سازی ، خیاطی ، بلوک زنی و لوله‌زنی ، نجاری ، شیرینی پزی ، قالیبافی ، شیشه‌بری و... پرداخت دستمزد بر مبنای کارکنتراتی شده و براساس تعداد قطعات تولیدشده صورت میگیرد . در این شیوه از کار ، کارگران در ازاء هر قطعه کار و یا هر متر از کار تولیدشده ، مبلغی بعنوان دستمزد دریافت میدارند و واقع دستمزد نه در ازاء ساعات کار مشخص و تعیین شده ، بلکه در مقابل تعداد قطعه‌های کالایی که تولید میشود پرداخت میگردد . در این شیوه استثمار کارگران شدت میابد چرا که کارگران ناچار میشوند ساعات طولانی بطور خودکار ، کار کنند تا قطعات بیشتر تولید کنند و در نتیجه دستمزد بیشتری دریافت دارند . کارگران ناچارند در زمان کمتر قطعات بیشتری تولید کنند و بدین ترتیب سرعت کار و شدت کار بالا برکارگران کارگاههای کوچک حاکم میگردد . و کارگران خود به عامل تشدید کار و بهره‌کشی تبدیل میشوند و رقابت و تفرقه در بین آنها شدت میابد . علاوه بر این در مواردی و بطور مشخص در بعضی از رشته‌ها کارگران در مقابل ضایعات تولید نیز به کارفرما جریمه میپردازند و در صورت تکرار اخراج میشوند ، و بدین ترتیب سرمایه‌دار استثمار کارگران را شدت میبخشد ، خسارات تولید را بردوش کارگران می اندازد .

بطور خلاصه کارفرما در قبال تامین حداقل شرایط مناسب کار ، امکانات بهداشتی ، رفاهی و سایر نیازهای اولیه کارگران تعهدی ندارد .

در کارگاههای کوچک قراردادهای کنتراتی بردو نوع است :

قرارداد ساده : به اینصورت است که در ازاء هر قطعه و تعداد کالایی که تولید میشود مثلا هر شصت خمیر یا هر کیلو نان پخته شده یا در ازاء هر قطعه‌ای که جوشکاری و صافکاری میشود ، یا هر قطعه بلوک ، موزائیک ، لباس ، شیرینی ، هر متر مربع پانکه قالی بافته شده ، مبلغ معینی که از جانب سرمایه‌دار تعیین میشود ، به کارگر پرداخت میگردد .

در قرارداد حرفه‌ای ، علاوه بر تعیین پرداخت مبلغ معینی در ازاء قطعه معینی که کارگر تولید میکند ، مدت قرارداد را هم تعیین میکنند مثلا جوش کردن ۱۸۰۰۰ لوله در عرض ۵ ماه . این نوع قرارداد را اکثرا کارگران ماهر بعهده میگیرند و با سایر کارگران قرارداد می بندند . وسایل و ابزار کار و حق داشتن مشتری از آن صاحبکار و کار گر ماهر که با سایر کارگران قرارداد می بندد ، بیگاری که یکی از اجزاء داشمی کارکنتراتی است در کارگاههای کوچک رایج است . کارفرمایان رشته‌هایی مانند جوشکاری ، مکانیکی ، شیشه‌بری ، صافکاری ،

بقیه در صفحه ۱۵

مرگ بر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی!

www.iran-archive.com